

بررسی عوامل کالبدی در ایجاد حس تعلق در خانه‌های سنتی دوره قاجار

ثمین سادات سجادیه^۱، مسعود ضیایی^۲

۱- ثمین سادات سجادیه فارغ التحصیل کارشناسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، saminsajadie@gmail.com

۲- مسعود ضیایی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، mziaei@khuir.ac.ir

چکیده

این مقاله از سویی با توجه به پیشینه‌ی تاریخی سرپناه (از غارنشینی تا آسمان‌خراش‌ها)، به بررسی خانه از دیدگاه سنت‌گرایی معنوی و پدیدارشناسی پرداخته است؛ و از سوی دیگر الگوی فضایی خانه‌های ایرانی، ساختار خانه‌های سنتی و الگوی شکلی خانه‌های اصفهان به‌ویژه خانه‌های دوره قاجار را شرح می‌دهد. در این راستا با توجه به ادبیات روانشناسی محیطی، به بررسی حس تعلق از رویکرد معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و درنهایت به ابعاد مختلف حس تعلق پرداخته می‌شود. روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده است. نتایج حاکی از آن است که با بهره‌گیری از عوامل کالبدی (رنگ، بافت، شکل و فرم پلان، درجه حریمیت و محصوریت) در طراحی خانه‌های مسکونی، میزان حس تعلق و امنیت انسان نسبت به مکان افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: عوامل کالبدی، حس تعلق، خانه سنتی، خانه‌های دوره قاجار

مقدمه

خانه فضایی است که انسان در آن رشد می‌کند و تربیت می‌یابد. فضایی که در آن زندگی می‌کند و در کنار خانواده خود احساس آرامش و تعلق پیدا می‌کند. معماری خانه در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها و حتی رفتارهایشان اهمیت ویژه‌ای دارد. در گذشته حداکثر توجه معماران به فضای داخلی خانه معطوف می‌گردید. از این‌رو طراحی‌ها به گونه‌ای بود که علاوه بر وجود حیاط مرکزی در اکثر خانه‌ها، بازشوها و تزیینات عمدتاً روبه داخل اجرا می‌شدند. (تقدم درون‌گرایی بر برون‌گرایی). پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و احساس تعلق آن‌ها به محیط می‌شود. هرچند خانه مکانی معنادار است اما امروزه با تقلیل کیفیت‌ها، معنای آن تا حد زیادی کمرنگ شده و خانه گاهی تا حد یک سرپناه تقلیل یافته است. و این حقیقتی است که بین دو دیدگاه پدیدارشناسی و سنت‌گرایی معنوی مشترک است. از این‌رو تحلیل خانه‌های سنتی ایرانی به‌عنوان بخشی از ارزشمندترین و با هویت‌ترین آثار معماری و فرهنگی با این دو دیدگاه، حائز اهمیت است. هدف این پژوهش بهره‌گیری درست از عوامل کالبدی در طراحی خانه‌های مسکونی جهت ایجاد حس تعلق بیشتر به مکان موردنظر می‌باشد.